

## قضازدایی پلیسی در قبال اطفال و نوجوانان بزهکار؛ مطالعه تطبیقی نیوزیلند، کانادا و ایران حسنعلی مؤذن‌زادگان<sup>۱</sup>، غلامحسین کوشکی<sup>۲</sup>، محمد بارانی<sup>۳</sup> و حسین یاراحمدی<sup>۴</sup>

تاریخ دریافت: ۹۵/۰۷/۱۵

تاریخ پذیرش: ۹۴/۰۸/۱۳

### چکیده

**زمینه و هدف:** امروزه بیشتر حقوق‌دانان بر این نکته اتفاق نظر دارند که ارجاع اطفال و نوجوانان به فرایند رسمی دادرسی کیفری نه تنها منجر به اصلاح رفتار آنان نمی‌شود بلکه در بسیاری از موارد، نتیجه عکس را به دنبال دارد. بر این اساس در بسیاری از کشورها برای جلوگیری از این امر اقدامات اساسی صورت گرفته است. این پژوهش قصد دارد سیاست اجرایی پلیس در قضازدایی از بزهکاری اطفال را در ایران با دو کشور کانادا و نیوزیلند مقایسه نماید. **روش:** این پژوهش، از نظر هدف کاربردی و از نظر شیوه اجرا، اسنادی است. پژوهش با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای، منابع اینترنتی، مقاله‌ها، پژوهش‌های لاتین و فارسی و مطالعه اسناد بین‌المللی مرتبط با حقوق اطفال و نوجوانان انجام شده است. ابزار گردآوری اطلاعات فیش برداری است و در این راستا اسناد بین‌المللی و قوانین موضوعه کشورهای کانادا، نیوزیلند و ایران مورد تحلیل قرار گرفته است.

**یافته‌ها و نتایج:** نتایج نشان داد کشور نیوزیلند ضمن تدوین قانون «کودکان، نوجوانان و خانواده‌هایشان» از طریق پیش‌بینی ساختار جداگانه‌ای برای پلیس، به وسیله سامانه‌های هشداردهی و برگزاری جلسه‌های گروهی خانوادگی، به پلیس اطفال اختیار داده تا از ورود اطفال و نوجوانان به حوزه فرایند رسمی دادرسی جلوگیری کند. کانادا نیز با وضع قانون عدالت کیفری جوانان «YCJA» و با ایجاد ساختارهای جدید در سازمان پلیس، مانند مرکز پلیس جوانان، مؤسسه‌های مردم‌نهاد، هماهنگ‌کننده دادرسی و مددکاری اجتماعی، به پلیس ویژه اطفال اختیار داده تا از ورود اطفال و نوجوانان به فرایند رسمی دادرسی جلوگیری کند. در قوانین ایران با وجود تأکید ماده ۳۱ قانون آیین دادرسی کیفری، مبنی بر تأسیس پلیس ویژه اطفال و نوجوانان، اختیار قضازدایی توسط پلیس، مغفول مانده است.

### واژه‌های کلیدی

اطفال، نوجوانان، سیاست جنایی اجرایی، قضازدایی، پلیس ویژه اطفال و نوجوانان

۱. دانشیار حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه علامه طباطبایی
۲. استادیار حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه علامه طباطبایی
۳. استادیار جرم‌شناسی دانشگاه علوم انتظامی امین.
۴. دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه علامه طباطبایی، (نویسنده مسئول)، رایانه:

yarahmadi.hossein@gmail.com

## مقدمه

اطفال و نوجوانان که بیش از ۳۷/۴۶ درصد جمعیت ایران را به خود اختصاص داده‌اند، سرمایه‌های کشور هستند (بارانی، ۱۳۸۸: ۱۵۵). آنچه امروزه نگرانی دلسوزان حقوق کودک را برانگیخته، افزایش نرخ بزهکاری نسل نوجوان و انعکاس نامطلوب آن، در سطوح ملی و بین‌المللی کشورها است (فتح‌الهی، ۱۳۸۸: ۳۳۳).

برهمن مینا، کشورهای مختلف دریافته‌اند که به دلایل زیادی، نوجوانان نیازمند توجه ویژه‌ای برای رسیدگی<sup>۱</sup> به بزهکاریشان هستند. نخست اینکه اطفال و نوجوانان نسبت به بزهکاران بزرگسال<sup>۲</sup>، آسیب‌پذیرتر بوده و نیازمند حمایت ویژه هستند. دوم اینکه رویکردهای متفاوت نسبت به رویکردهای به‌کاررفته در رسیدگی به پرونده‌های بزرگسالان، می‌تواند نتایج بهتری ارائه دهد. سوم اینکه روش‌های خاص رسیدگی ممکن است تناسب بیشتری با فرایندهای تصمیم‌گیری و تمهیدات متعاقب اتخاذشده برای افراد جوان داشته باشند. براین اساس، در بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته تلاش شده تا در برخورد با بزهکاری اطفال و نوجوانان، با استفاده از قضاودایی<sup>۳</sup>، از ورود اطفال و نوجوانان به چرخه رسمی دادرسی کیفری جلوگیری شود.

تعریف‌ها و تعبیرهای مختلفی از مفهوم اطفال و نوجوانان در قوانین کشورهای مختلف ارائه شده است. در ایران با استنباط از مواد ۸۸ و ۹۱ «قانون مجازات اسلامی» مصوب سال ۱۳۹۲، ماده ۲۸۵ «قانون آیین دادرسی کیفری» مصوب سال ۱۳۹۲ و تبصره ۱ آن و ماده ۴ «پیش‌نویس لایحه پلیس ویژه اطفال و نوجوانان»، «اطفال و نوجوان» به افرادی اطلاق می‌شود که سن آنان کمتر از ۱۸ سال تمام شمسی باشد. در تعریف قضاودایی نیز باید گفت راهکاری فنی برای کاستن از تراکم دعاوی در مراجع رسمی دادگستری و قطعاً نسبی است. قضاودایی مطلق، در مفهوم تعطیلی نهاد دادرسی و دادگستری و حذف وظیفه اساسی

- 
1. Investigations
  2. Adult offenders
  3. Diversion

قضاوت در مفهوم خاص آن، از وظایف حکومت است (اصل ۱۵۶ قانون اساسی). در تعریف دیگری آمده، قضاودایی به سازوکارهایی گفته می‌شود که پلیس با توسل به آنها امکان رسیدگی به یک عمل مجرمانه را خارج از نظام قضایی جست‌وجو می‌کند (بارانی، ۱۳۹۲: ۲۱۷).

چنانچه بخواهیم تعریف جامعی از قضاودایی پلیسی ارائه کنیم می‌توان گفت قضاودایی پلیسی عبارت است از مجموعه تدابیر، اقدامات و تلاش‌هایی که توسط پلیس برای پرهیز از ارجاع پرونده به مسیر دادرسی رسمی و سعی در ارجاع پرونده‌ها به خدمات اجتماعی یا سایر خدمات مناسب دیگر باشد.

پیرامون مفهوم سیاست جنایی اجرایی پلیسی نیز باید گفت سیاستی است که از سوی قوه مجریه به‌عنوان رکن اجرایی کشور در پیش گرفته می‌شود. بنابراین «سیاست قوه مجریه در زمینه کنترل جرم که ناظر بر چگونگی اجرای قوانین و رویه‌های قضایی موجود است، سیاست جنایی اجرایی را تشکیل می‌دهد که نقش پلیس (درمعنای گسترده آن شامل همه ضابطان دادگستری) در آن اهمیت ویژه‌ای دارد؛ نقشی که در سطحی کلان به وظیفه پلیس در تأمین امنیت داخلی کشور بازمی‌گردد» (نجفی ابرآباندی، ۱۳۸۵: ۲۶۳).

امروزه بیشتر حقوق‌دانان بر این نکته اتفاق نظر دارند که ارجاع اطفال و نوجوانان به فرایند رسمی دادرسی کیفری نه تنها منجر به اصلاح رفتار آنان نمی‌شود بلکه در بسیاری از موارد، نتیجه عکس را به دنبال داشته است. به عبارت دیگر، واکنش دستگاه‌های عدالت کیفری به بزهکاری اطفال و نوجوانان از طریق نظام سرکوبی و اجرای مجازات، به مراتب منجر به افزایش تکرار رفتارهای بزهکارانه در مرتکبان این نوع رفتارها شده است.

تأکید اسناد بین‌المللی نیز درباره قضاودایی از بزهکاری اطفال و نوجوانان در مرحله پلیسی حائز اهمیت است. براین اساس، بند ۲-۱۰ مقررات حداقل استاندارد سازمان ملل متحد برای دادرسی ویژه نوجوانان (مقررات پکن یا بیجینگ) (۱۹۸۵)، تأکید بر خلاصی طفل بزهکار در تماس اولیه دارد. در بند ۱۱ مقررات یادشده، باعنوان تغییر مسیر رسیدگی، تأکید بر این

شده که در برخورد با متخلفان نوجوان، حتی الامکان بدون توسل به محاکم رسمی، موضوع حل و فصل شود. هم چنین بند ۲-۱۱ تأکید می کند پلیس یا سایر نهادهای مرتبط با پرونده های اطفال و نوجوانان معارض با قانون، باید اختیار حل و فصل چنین پرونده هایی را بدون توسل به رسیدگی رسمی، برطبق معیارهای پیش بینی شده برای آن در هر نظام حقوقی و نیز براساس اصول مندرج در این قانون برطبق صلاح دیدشان داشته باشند.<sup>۱</sup>

در بند ۵۸ از بخش ششم اصول راهبردی سازمان ملل برای پیشگیری از جرایم اطفال، موصوف به «اصول ریاض» (۱۹۹۵) باعنوان «قانون گذاری و اجرای عدالت»، آمده است: «پلیس و کارکنان مرد و زن مرتبط باید آموزش ببینند تا به نیازهای خاص اشخاص جوان پاسخ دهند و در بالاترین میزان ممکن با برنامه ها و امکانات ارجاع برای تغییر مسیر رسیدگی اشخاص جوان از نظام عدالت آشنا بوده و از آنها استفاده کنند». یکی دیگر از اسناد بین المللی که ایران آن را پذیرفته کنوانسیون حقوق کودک<sup>۲</sup> (۱۹۸۹) است. مقررات پیش بینی شده در کنوانسیون حقوق کودک<sup>۳</sup> عبارت اند از: توجه به نیازهای اولیه کودکان<sup>۴</sup>، حمایت<sup>۵</sup>، پیشگیری<sup>۶</sup> و مشارکت<sup>۷</sup>. (کشفی، ۱۳۸۷: ۳۴). تأکید کنوانسیون در بند

۱. افزون بر موارد یادشده، مواد دیگری از این سند بین المللی در این باره تأکید داشته اند که عبارت اند از: بند ۲ ماده ۱۱، بند ۱ ماده ۱۲، بندهای ۱-۱۳ تا ۵-۱۳.

## 2. Convention on the Rights of the Child

۳. قانون اجازه پیوستن دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون حقوق کودک در تاریخ ۱۳۷۲/۱۲/۰۱ به شرط آنکه مفاد آن در هر مورد و هر زمان در تعارض با قوانین داخلی و موازین اسلامی باشد و یا قرار گیرد از طرف دولت جمهوری اسلامی ایران لازم الرعایه نباشد به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده و در تاریخ ۱۳۷۲/۱۲/۱۱ به تأیید شورای نگهبان رسیده است.

4. Provision
5. Protection
6. Prevention
7. Participation

ب ماده ۳۷ و بندهای ۳ و ۴ از ماده ۴۰ نیز گویای اهمیت بالای قضاودایی از رفتارهای مجرمانه اطفال و نوجوانان است.

حال با عنایت به اهمیت قضاودایی پلیسی از بزهکاری اطفال و نوجوانان در نظر است ضمن بررسی قوانین مرتبط کشورهای پیشرفته درباره قضاودایی در قبال اطفال و نوجوانان، وضعیت قضاودایی پلیسی در نظام حقوقی ایران مورد مذاقه قرار گیرد. در واقع به دنبال پاسخ مناسبی به این پرسش هستیم که قضاودایی پلیسی از بزهکاری اطفال و نوجوانان در کشورهای نیوزیلند، کانادا و ایران چگونه است؟

**پیشینه پژوهش:** رضوی و فرهانی (۱۳۸۸) در پژوهشی با عنوان «بررسی وظایف و اختیارات پلیس در برخورد با اطفال و نوجوانان معارض با قانون»، وظایف و اختیارات پلیس ایران را در قبال بزهکاری اطفال تحلیل کرده‌اند. بارانی و جزینی (۱۳۸۸) در مقاله‌ای با عنوان «سیاست جنایی پلیس در قبال کودکان و نوجوانان معارض قانون» سیاست جنایی اجرایی پلیس ایران را تحلیل کرده‌اند. بارانی و کشفی (۱۳۹۱) در کتاب «آیین دادرسی کودکان و نوجوانان با تأکید بر نقش پلیس»، استانداردهای رفتار پلیس را بررسی کرده‌اند. میرزایی و مسعودی (۱۳۹۰) در پژوهشی با عنوان «نقش پلیس در اجرای برنامه‌های عدالت ترمیمی»، برنامه‌های پلیس در اجرای عدالت ترمیمی را بیان کرده‌اند. مهرا (۱۳۸۸) در مقاله‌ای با عنوان «ضوابط ناظر بر دستگیری اطفال و نوجوانان بزهکار»، قواعد لازم برای دستگیری اطفال را بررسی کرده است. بارانی (۱۳۹۳) در کتاب «شیوه‌های رفتاری پلیس

۱. بند «ب» ماده ۳۷: هیچ کودک نباید به‌طور غیرقانونی و خودسرانه زندانی شود. دستگیری، بازداشت و یا زندانی کردن یک کودک باید مطابق با قانون باشد و به‌عنوان آخرین راهکار و برای کوتاه‌ترین زمان ممکن به آن متوسل شد.

قسمت «ب» بند ۳ ماده ۴۰: در صورت تناسب و تمایل، وضع مقرراتی برای رفتار با این‌گونه کودکان بدون توسل به دادرسی‌های قضایی، به‌شرطی که حقوق بشر و ضمانت‌های حقوقی کاملاً رعایت شود.

بند ۴ ماده ۴۰: تأمین مسائلی از قبیل مقررات نگهداری، راهنمایی، نظارت، مشاوره و برنامه‌های آموزشی حرفه‌ای و سایر اقدامات دیگر برای تضمین اینکه با کودکان رفتاری متناسب با رفاه و شرایط جرم ارتكابی آنها خواهد شد.

با کودکان و نوجوانان» بر ضرورت اتخاذ یک سیاست جنایی افتراقی پلیسی در قبال کودکان و نوجوانان تأکید کرده است. کشفی (۱۳۸۷) در پژوهشی با عنوان «نقش پلیس در دادرسی کودکان و نوجوانان»، به نقش پلیس ماهر در دادرسی کودکان و نوجوانان پرداخته است. همچنین منابع بسیار دیگری در ارتباط با این حوزه نگارش شده‌اند که در هیچ کدام از این منابع به موضوع قضازدایی پلیسی به صورت مستقیم پرداخته نشده است (خواجانه‌نوری، ۱۳۸۲؛ دالوندی، ۱۳۸۸ و زینالی، ۱۳۸۸). اما به فراخور موضوع‌های پژوهش از مطالب مرتبط مندرج در آنها استفاده خواهد شد.

**مبانی نظری:** اولین برخورد یک بزهکار نوجوان با نظام عدالت کیفری همواره با پلیس ثبت می‌شود (هزل<sup>۱</sup>، ۲۰۰۸)؛ بنابراین پلیس بیشتر کانون تمرکز عمده برای فنون قضازدایی بوده است. از ۵۱ کشور که به پیمایش سازمان ملل در سال ۱۹۹۸ پاسخ داده‌اند، ۱۹ کشور اجازه قضازدایی را به پلیس داده بودند. در کشورهایی که قضازدایی پلیس را مجاز نمی‌دانستند، شامل آلمان (دانکل<sup>۲</sup>، ۲۰۰۴)، لهستان (استندو کاو کا<sup>۳</sup>، ۲۰۰۴)، اسلونی (فلیپکیک<sup>۴</sup>، ۲۰۰۴)، بلژیک (ون دیک<sup>۵</sup>، ۲۰۰۴)، اتریش (برو کمولر<sup>۶</sup>، ۲۰۰۴) و بوسنی هرزگوین (المیر، ۲۰۰۴)، این اجبار وجود داشت که هر پرونده باید به دادستان جهت اتخاذ تصمیم گزارش می‌شد (کاظمی، ۱۳۹۴: ۱۸).

نگرش گونه‌شناسانه به تحولات پاسخ‌دهی به بزهکاری اطفال، نه تنها زمینه شناخت الگوی حاکم بر نظام عدالت کیفری ملی را فراهم می‌کند، بلکه موجب تأمل و تعمق در اوضاع و احوال اجتماعی مؤثر بر بروز و کاربرد گونه‌های پاسخ‌دهی را نیز امکان‌پذیر می‌سازد (دلماست مارتی، ۱۳۸۷). واکنش و نحوه برخورد نظام‌های حقوقی در هر کشور

- 
1. Hazel
  2. Dunkel
  3. Stando-Kawecka
  4. Filipic
  5. Van Dijk
  6. Bruckmuller

در قبال بزهکاری اطفال و نوجوانان ممکن است با کشورهای دیگر متفاوت باشد که در اصطلاح این واکنش‌ها در قالب الگوهای متفاوتی قابل بحث هستند؛ در ادامه به این الگوها می‌پردازیم.

**الف- الگوهای رفاه‌گرایی کیفری:** رفاه‌گرایی کیفری<sup>۱</sup> بر ضرورت بازپروری بزهکاران و پیش از آن، اتخاذ رویکردهای حمایت‌گرانه از گروه‌های آسیب‌پذیر و در معرض خطر تأکید می‌کند (غلامی، ۱۳۹۰: ۹۲-۱۰۴). این رویکرد که اولین بار توسط کوهن<sup>۲</sup> مطرح شد، بر سیاست‌های مختلفی از قبیل زندان‌زدایی، پرهیز از برخورد توسط نظام عدالت کیفری رسمی و استفاده از مسیرهای جایگزین به منظور اجتناب از فرایند انگ‌زنی<sup>۳</sup>، برچسب‌زنی<sup>۴</sup> مجرمانه بر بزهکاری نوجوانان تأکید می‌کند (مؤذن‌زادگان، ۱۳۹۵: ۳).

**ب- الگوی کمترین مداخله:** این الگو متضمن توسل به حقوق کیفری به‌عنوان آخرین وسیله و در کمترین موارد ضروری است (نوبهار، ۱۳۹۰: ۲۱). رعایت الگوی کمترین مداخله، زمینه توسل به سایر نهادهای اصلاحی- تربیتی و نیز دیگر ابزارهای اجتماعی‌ساز شهروندان را فراهم خواهد کرد؛ زیرا مهارت‌های اجتماعی‌سازی غیر کیفری، جایگزین مناسب‌تری برای ابزارهای کنترل کیفری به‌شمار می‌روند (غلامی، ۱۳۹۲: ۹۷).

بر این اساس، توسعه صلاحیت مراجع غیر کیفری مانند مدارس در رسیدگی به بزه‌های خرد اطفال و نوجوانان، افزایش امکان مشارکت خانواده‌ها در قالب نشست‌های گروهی خانوادگی، گسترش امکان اعمال صلاح‌دید پلیس و دادسرا در پرهیز از ارجاع برخی قضایای مربوط به بزهکاری اطفال به دادگاه، از جمله اقدام‌های مربوط به اجرای الگوی کمترین مداخله به‌شمار می‌رود (پرادل، ۱۳۸۹: ۱۴۰).

1. Penal welfarism
2. Stanley Cohen
3. Stigmatization
4. labeling

**ج- الگوی عدالت ترمیمی:** این رویکرد از اوایل دهه ۱۹۷۰ میلادی در برخی کشورهای توسعه یافته جهان مانند کانادا و آمریکا رواج یافته است. هوارد زهر<sup>۱</sup> معتقد است در این رویکرد، جرم پیش از آنکه نقض قانون جزا تلقی شود نقض روابط میان فردی و گسستن رابطه انسانی است (زهر، ۱۳۹۰: ۳۵).<sup>۲</sup> این الگو بر ضرورت اتخاذ تدابیر متوازن برای تأمین نیازهای بزه دیدگان، توجه به مسئولیت بزهکاران و مشارکت جامعه محلی در فرایند رسیدگی و پاسخ به آثار و نتایج جرایم ارتكابی تأکید می‌کند (غلامی، ۱۳۹۲: ۹۹). در این الگو به دلیل اینکه جرم، اقدامی علیه روابط انسانی به‌شمار می‌رود عدالت ترمیمی در تکاپو برای ترمیم و تقویت این روابط مختل شده است (توتز<sup>۳</sup>، ۲۰۰۷: ۱۷). هدف اساسی عدالت ترمیمی، مشارکت دادن همه طرف‌ها و ترمیم آثار روحی، جسمی، مالی و منزلتی بزه‌دیده است که در نتیجه وقوع و تحمل جرم، آسیب‌های گوناگونی دیده‌اند (غلامی، ۱۳۹۲).

از آنجایی که برخی اهداف دنبال شده در عدالت ترمیمی مانند ترمیم روابط میان طرف‌های دعوا و جبران خسارت از سوی بزهکار و پرهیز از ارجاع او به فرایند رسمی دادرسی با اهداف قضازدایی وجه اشتراک دارد، بنابراین استفاده از این الگوها توسط پلیس در فرایند رسیدگی می‌تواند نتایج حائز اهمیتی را به دنبال داشته باشد.

**د- الگوی جرم‌شناسی واکنش اجتماعی:**<sup>۴</sup> جرم‌شناسی واکنش اجتماعی یکی از شاخه‌های جرم‌شناسی است که با استفاده از رویکردهای چهارگانه خود با عناوین رویکرد تعامل‌گرا یا برچسب‌زنی، رویکرد جرم‌شناسی سازمانی یا تشکیلاتی، رویکرد جرم‌شناسی رادیکال و رویکرد جرم‌شناختی بزه‌دیده‌شناختی به‌نوعی بر تأسیس قضازدایی تأکید می‌کند. در این نوع جرم‌شناسی جنبه‌های مختلفی بررسی می‌شوند: ۱. عمل قانون‌گذاری

1. Howard Zehr

۲. برای مطالعه بیشتر رجوع کنید به:

Zehr, Howard, *Changing Lenses: A New Focus For Crime and Justice* Scottsdale, Pennsylvania: Herald Press 1990/65.

3. oews

4. Social Reaction Criminology



(جرم‌انگاری و وضع مجازات)؛ ۲. کارکرد نهادهای پلیسی و ضابطان قضایی؛ ۳. کارکرد نهادهای قضایی؛ ۴. کارکرد نهادهای زندان و چگونگی اجرای مجازات (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۳). این نوع جرم‌شناسی با بیان این موضوع که عملکرد قانونی پلیس می‌تواند ناخواسته عاملی برای افزایش بزهکاری به‌خصوص در اطفال و نوجوانان باشد، بهترین حالت را برای پیشگیری از این رخداد، استفاده از راهکارهایی مانند پرهیز از مداخله، استفاده از قضازدایی پلیسی از طریق هشدار، اخطارهای رسمی و غیررسمی و... توصیه می‌کند. علاوه بر الگوهای یادشده، الگوهای دیگری<sup>۱</sup> نیز در نظام عدالت کیفری برای برخورد با اطفال و نوجوانان وجود دارد که به‌دلیل ارتباط غیرمستقیم با موضوع پژوهش حاضر از بیان آنها خودداری می‌شود.

## روش

این پژوهش، از نظر هدف کاربردی و از نظر روش، اسنادی است. پژوهش با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای، منابع اینترنتی، مقاله‌ها، پژوهش‌های لاتین و فارسی و مطالعه اسناد بین‌المللی مرتبط با حقوق اطفال و نوجوانان انجام شده است. ابزار گردآوری اطلاعات فیش‌برداری است و در این راستا اسناد بین‌المللی و قوانین موضوعه کشورهای کانادا، نیوزیلند و ایران مورد تحلیل قرار گرفته است.

## قضازدایی از بزهکاری اطفال و نوجوانان در نظام پلیسی نیوزیلند

نیوزیلند از کشورهایی است که در زمینه تأسیس پلیس اطفال و نحوه برخورد مناسب با اطفال و نوجوانان بزهکار، پیشرفت قابل توجهی داشته است. اولین اقدام این کشور در جهت افتراقی کردن برخورد با اطفال و نوجوانان، تصویب قانون «کودکان و نوجوانان و خانواده‌هایشان» در سال ۱۹۸۹ است. مطابق این قانون، کودک (طفل) دختر یا پسر است

---

۱. الگوی مدیریت خطر (ریسک): این الگو بر تعهدها و مسئولیت‌های اطفال بزهکار و حتی والدین آنها نسبت به دیگران، از جمله بزه‌دیده، جامعه و حکومت تأکید می‌کند. برای مطالعه بیشتر رجوع کنید به: پاک‌نهاد، امیر (۱۳۸۸). سیاست جنایی ریسک‌مدار. تهران: میزان.

که سن او زیر ۱۴ سال باشد و نوجوان به دختر یا پسری اطلاق می‌شود که سن او میان ۱۴ تا ۱۷ سال باشد.

## ۱. ساختار نظام قضازدایی در نیوزیلند

۱-۱. پلیس همیار کودک<sup>۱</sup>: این واحد پلیس، با استفاده از الگوی عدالت ترمیمی با کودکان بازداشت شده یا در معرض خطر رفتار می‌کند و برنامه‌های موفق‌تری را برای کاهش بزهکاری کودکان اجرا کرده است.

۱-۲. هماهنگ‌کننده دادرسی کودکان<sup>۲</sup>: این بخش ضمن ایفای نقش تسهیل‌گری و ایجاد توافق بین دو طرف، وظایفی بر عهده دارد که مهم‌ترین وظیفه‌اش برگزاری «جلسات گروهی خانواده»<sup>۳</sup> است.

۱-۳. سایر سازمان‌ها: علاوه بر یگان‌های درگیر در حوزه اطفال و نوجوانان، سازمان‌های دیگری نیز در این زمینه فعالیت دارند که عبارت‌اند از: «دادگاه اطفال»، «سازمان کودک»، نوجوان و خانواده»، «وزارت دادگستری»، «وزارت توسعه اجتماعی» و «واحدهای خدمات اجتماعی» (کاظمی، ۱۳۹۴: ۴۹).

## ۲. اهداف اجرای برنامه‌های قضازدایی در نیوزیلند

با توجه به اهمیت نتایج پیش‌بینی شده در استفاده از قضازدایی پلیسی، مهم‌ترین اهداف اجرای قضازدایی پلیسی در کشور نیوزیلند به این شرح تبیین شده است: کاهش تکرار بزهکاری در کودکان از طریق اجرای برنامه‌های قضازدایی، برگزاری جلسات گروهی خانواده، پرهیز از واکنش‌های افراطی در برابر کودکان بزهکار و فراهم کردن موقعیت‌هایی با اثر بیشینه و اختلال کمینه، تقویت و توانمندسازی کودکان، نوجوانان و خانواده‌هایشان به منظور اطمینان و امنیت اطفال، مدیریت مناسب برای رسیدگی به وضعیت کودکان

---

1. Police Youth Aid  
2. Youth Justice Co-ordinator  
3. Family Group Conferences

معارض با قانون از طریق هشداردهی و قضازدایی و در نتیجه جلوگیری از ورود کودکان معارض با قانون به دادگاه‌های عادی و ارتکاب دوباره بزه.<sup>۱</sup>

### ۳. مراحل رفتار پلیس نیوزیلند با بزهکاران نوجوان

پلیس نیوزیلند، قبل از اینکه بزهکاران نوجوان را به فرایند رسمی رسیدگی ارجاع دهد اختیاراتی را در قالب قضازدایی از بزهکاری اطفال و نوجوانان به شرح زیر دارد:

۳-۱. **هشداردهی:** برابر قانون به افسران پلیس توصیه شده است به کودک بزهکار توسط افسران درگیر و یا افسران همیار کودک هشدار کلامی داده شود. اگر بزه ارتكابی کم‌اهمیت باشد و بزه‌دیده رضایت بدهد و بزهکار نیز بر بزه ارتكابی پافشاری نداشته باشد افسر پلیس فوراً به کودک تذکر می‌دهد و خانواده او را به صورت کتبی مطلع می‌کند.

۳-۲. **نظارت از طریق خانواده:** برابر قانون مصوب سال ۱۹۸۹، پلیس این اختیار را دارد که در مواردی که شرایط و موقعیت در کنترل پلیس است مراقبت از کودک را به خانواده اش بسپارد.

۳-۳. **جلسات گروهی خانواده:** جلسه گروهی خانواده با حضور کودک، بزه‌دیده، بزهکار و خانواده‌هایشان، پلیس، نماینده‌ای از همیاران کودک و دیگر افراد مرتبط مانند معلمان به منظور جبران خسارت بزه‌دیدگان و کمک به خانواده بزهکار و جلوگیری از ارتکاب مجدد بزه، برگزار می‌شود.

۳-۴. **بازداشت:** برابر قانون یادشده، پلیس نیوزیلند اختیار دارد چنانچه کودک نتواند انتظارات پلیس را پس از راهکارهایی مانند هشداردهی، مراقبت از طریق خانواده و جلسات گروهی خانواده برآورده کند، از بازداشت و ارجاع به فرایند رسمی رسیدگی استفاده کند.

۱. برای مطالعه بیشتر رجوع کنید به:

#### ۴. راهکارهای قضازدایی

این روش بیشتر از طریق یک طرح مشخص انجام می‌شود. در واقع این طرح شامل هرگونه اقدامی است که نخست خسارت صورت گرفته را جبران کند و در دوم از وقوع دوباره آن جلوگیری کند. راهکارهای این طرح عبارت‌اند از: عذرخواهی کلامی و کتبی از قربانیان، جبران یا پرداخت خسارت وارد شده به اموال، کار کردن برای قربانی و یا گروه‌های محلی، کمک به خیریه‌ها، محدودیت آمد و شد، محدودیت در ارتباط با شرکای بزه و دیگر افرادی که تأثیر سوء داشته‌اند، مشاوره دادن به بزهکار درباره اثرات سوء رفتار وی، انجام فعالیت‌های ورزشی یا افزایش سرگرمی‌ها و بهبود در انجام دادن تکالیف در مدرسه (کاظمی، ۱۳۹۴: ۵۵-۶۰).

#### ۵. هزینه‌های استفاده از روش‌های قضازدایی

وظیفه اصلی پروژه همیار پلیس، تأمین بودجه لازم برای پلیس‌هایی است که فعالیت‌های مرتبط با پروژه را اجرایی می‌کنند. «مداخلات اقامتی» نسبت به مداخلات غیر اقامتی و قضازدایی، نیاز به تلاش و هزینه بیشتری دارد تا نتیجه‌بخش باشد. بازداشت به تنهایی تأثیری بر کاهش میزان تکرار در ارتکاب بزه ندارد و حتی ممکن است موجب افزایش آن شود. در مقایسه با پرهزینه‌ترین دادرسی‌های دادگاهی، برای هر کودک که بالغ بر ۲۷ هزار دلار نیوزیلندی است، هزینه استفاده از قضازدایی حداکثر یک هزار دلار نیوزیلندی تخمین زده شده است (کاظمی، ۱۳۹۴: ۶۰).

#### قضازدایی از بزهکاری نوجوان در نظام پلیسی کانادا

کانادا یکی از کشورهایی است که در سال‌های اخیر در زمینه توجه به عدالت کیفری اطفال و نوجوانان، تحول‌های گسترده‌ای را به همراه داشته است. اساساً در این کشور نظام عدالت کیفری اطفال به منظور حمایت از اطفال و نوجوانان و اعطای اختیارات به مسئولان این حوزه تأسیس شده است.

## ۱. قوانین کیفری کانادا در ارتباط با اطفال و نوجوانان

۱-۱. **قانون مجرمان جوان**<sup>۱</sup>: از نظر تاریخی، سال ۱۹۸۴ را می‌توان نقطه عطفی پیرامون سیاست‌گذاری کانادا در برخورد با اطفال بزهکار به حساب آورد. قانون مجرمان جوان موسوم به «YOA» که در سال ۱۹۸۴ به تصویب رسیده بود سیاست جنایی سخت‌گیرانه‌ای را نسبت به مجرمان نوجوان و جوان<sup>۲</sup> اتخاذ کرده بود. به دلیل اینکه این قانون، اهدافی مانند پیشگیری از جرم و جنایت (بند (a) 3(1)s)، پاسخگو بودن و مسئول دانستن اشخاص کم سن و سال (بند (a.1) 3(1)s) و دفاع از جامعه (بند (b) 3(1)s) را مدنظر داشت، بسیاری از صاحب‌نظران بر این عقیده‌اند که این قانون در عمل مرجع خوبی برای تصمیم‌گیری درباره نوجوانان نیست.<sup>۳</sup> به‌واقع این قانون تصریح کرده بود کودکی که مرتکب جرم شده است باید به‌خاطر تخلفاتش مسئول واقع شود.

۱-۲. **قانون عدالت کیفری جوانان**<sup>۴</sup>: پس از گذشت ۱۹ سال از اجرای قانون YOA و احساس نیاز به برخورد متفاوت با اطفال و نوجوانان بزهکار، بالاخره قانون «YCJA» در سال ۲۰۰۳ در کانادا با اهداف پیشگیری از جرم، بازپروری و بازاجتماعی کردن مجرمان جوان و پیش‌بینی عواقب جرایم عمدی به تصویب رسید و برای برخورد با اطفال و نوجوانان سیاست جنایی مشخصی را پیش روی پلیس قرار داد.

زیر بخش (c) 3(1) که بسیار با اقدامات پلیس مرتبط است تأکید می‌کند که در حوزه محدودیت‌های مربوط به مسئولیت مناسب و بی‌طرفانه، در برخورد با اطفال بزهکار این معیارهای اتخاذ شده باید رعایت شوند: جنبه ارزش‌های اجتماعی تقویت شوند؛ بزهکار را به اصلاح آسیب‌های وارده به بزه‌دیده و کمیته ترغیب کند؛ این فعالیت‌ها باید برای اطفال

---

1. The Young Offenders Act

۲. در قوانین کانادا فرد جوان به کسی اطلاق می‌شود که براساس ادله موجود، سن او ۱۲ تا ۱۸ سال باشد.

3. (e.g. Bala, 1997; Doob and Beaulieu, 1992; Platt, 1991).

4. Youth Criminal Justice Act

با توجه به نیازها و وضعیت‌شان معنی‌دار باشد؛ والدین، اجتماع و دیگر نماینده‌ها را که در زمینه بازپروری و بازاجتماعی کردن اطفال بزهکار دخیل‌اند در نظر بگیرد.<sup>۱</sup>

## ۲. برنامه‌های پلیس کانادا در قضاودایی اطفال و نوجوانان بزهکار

در کانادا برنامه‌هایی باعنوان اقدامات فراقضایی و جایگزین‌های ضمانت‌اجراها با هدف اصلی جلوگیری از ورود اطفال و نوجوانان به فرایند رسمی دادرسی تأسیس شده‌اند. این برنامه‌ها مقرر داشته‌اند اشخاصی که به نقض قوانین جزایی (جرم) متهم هستند برای جبران خسارت بزه‌دیدگی جامعه، به آنان فرصتی اعطا می‌شود. این برنامه‌ها با حروف اختصاری «AM»<sup>۲</sup> به معنای «اقدامات جایگزین»<sup>۳</sup> و با حرف اختصاری «EJS»<sup>۴</sup> به معنای «ضمانت‌اجراهای فراقضایی» مشخص شده‌اند.

نوجوانان بین ۱۲ تا ۱۷ سال، در صورت ارتکاب جرم ممکن است به برنامه‌های ضمانت‌اجراهای فراقضایی «EJS» ارجاع شوند. هم‌چنین جوانان ۱۸ سال و بالاتر نیز در برنامه‌های اقدامات جایگزین مشارکت داده می‌شوند. این برنامه‌ها به بزه‌دیده و اعضای جامعه که برای حل مسئله (بزهکاری نوجوانان) درگیر بوده‌اند ارائه می‌شوند. از متهم تقاضا می‌شود که ضمن پذیرش مسئولیت رفتار مجرمانه خود برای جبران صدمات وارد شده تا حد ممکن اقدام کند.

اهداف این برنامه‌ها عبارت‌اند از: ۱. افزایش پاسخگویی و پذیرش مسئولیت از سوی مجرم به‌خاطر فعل مجرمانه‌اش؛ ۲. ترویج مشارکت بین بزه‌دیده و بزهکار؛ ۳. حمایت از جامعه برای پیشگیری از رفتارهای مجرمانه؛ ۴. افزایش مشارکت جامعه در حل و فصل حادثه؛ ۵)

۱. برای مطالعه بیشتر رجوع کنید به:

<http://publications.gov.sk.ca/documents/9/81682-AM-EJS-Manual-Final-Jan2013.pdf>

<http://www.utpjournals.press/doi/abs/10.3138/cjccj.46.3.343>

2. alternative measures

۳. اختیاری است که در قانون کانادا به پلیس داده شده است تا برای اجرای برنامه‌های عدالت ترمیمی اقدام کند.

4. extrajudicial sanctions

حضور جامعه در پرداختن به جرم و نیازهای بزه‌دیده و بزه‌کار و ۶) حفاظت از منافع جامعه.

برنامه‌های «AM» و «EJS»، ارزش‌ها، اصول و فرایندهای عدالت ترمیمی را ترسیم می‌کنند. عدالت ترمیمی به برگرداندن وضع موجود (التیام مجدد)، ممانعت از ورود صدمات در آینده و جبران خسارت‌های ایجادشده تا سرحد ممکن کمک می‌کند.<sup>۱</sup> جایگزین کردن اقدام‌های فراقضایی برای حذف هزینه‌های محاسبه‌شده توسط پلیس تا جایی است که سطح هزینه‌های کاهش یافته در سال ۲۰۰۳ بیش از یک‌سوم جرایم کم‌اهمیت مانند جرم مواد مخدر است.<sup>۲</sup>

### ۳. اختیارات پلیس در استفاده از برنامه‌های فراقضایی در کانادا

هنگامی که پلیس شکایتی را دریافت می‌کند یا یک جرمی را بررسی می‌کند و از وجود دلیل کافی برای انتساب اتهام به متهم مطمئن می‌شود، ضمن درج اطلاعات جرم در «CPIC» (مرکز اطلاعات پلیس کانادا)،<sup>۳</sup> این اختیار را دارد که ارجاع متهم را به «EJS» و «AM» مطرح کند. ارجاع به این برنامه‌ها به دو صورت انجام می‌شود؛ یکی ارجاع پیش از اتهام که قبل از اینکه اتهام به‌طور رسمی مطرح شود انجام می‌گیرد و ارجاع پس از اتهام که پس از طرح رسمی اتهام صورت می‌پذیرد. در تصمیم‌گیری برای ارجاع متهم به برنامه‌های فراقضایی، افسر پلیس عوامل زیر را بررسی می‌کند:

۱. این تعریف از عدالت ترمیمی توسط گروه کاری فدرال بیان شده است. این مفاهیم توسط رابرت کرمیر ارائه شده است. برای مطالعه بیشتر رجوع کنید به:

Robert Cormier's 2002 report, Restorative Justice: Directions and Principles ° Developments in Canada. Ottawa:Public Safety Canada. Available online at: <http://www.nicic.org/Library/017800>

۲. برای مطالعه بیشتر مراجعه کنید به:

Peter J. Carrington and Jennifer L. Schulenberg, The Impact of the Youth Criminal Justice Act on Police Charging Practices with Young Persons: A Preliminary Statistical Assessment Report to the Department of Justice Canada, HER MAJESTY THE QUEEN IN RIGHT OF CANADA (2005).

۳. Canadian Police Information Centre

معیارهای مندرج در قوانین جزایی و قانون عدالت کیفری نوجوانان «YCJA»؛ تاریخچه سوابق متهم در مرکز اطلاعات پلیس کانادا؛ شدت جرم و اوضاع و احوال پرونده؛ واجد شرایط بودن و معیارهای انحصاری مشخص شده در وزارت دادگستری ساسکاچوان و سیاست‌های «AM» (۲۰۱۱) یا سیاست‌های «EJS» مجرمان جوان (۲۰۱۱)؛ میزان اتهامی که متهم مسئولیتش را می‌پذیرد و تأثیر جرم بر بزه‌دیده. همچنین پلیس در صورت توافق بین بزه‌کار و بزه‌دیده این آزادی عمل را دارد که این پرونده‌ها را به برنامه‌های فراقضایی ارجاع دهد.

#### ۴. نقش آفرینان اصلی در قضا‌دایی پلیسی در کانادا

۴-۱. مرکز جوانان پلیس: در این مرکز زمانی که پلیس، متوجه وقوع جرمی از سوی اطفال و نوجوانان می‌شود با بررسی اینکه این جرم از جرایم مهمه (مانند سرقت، راهزنی، خیانت، جنایت) است یا غیرمهم و اینکه آیا مرتکب جرم سابقه ارتکاب جرم داشته یا خیر و در صورت وجود شرایط لازم، اقدام به ارجاع پرونده به برنامه‌های فراقضایی می‌کند.

۴-۲. مؤسسه‌های مبتنی بر جامعه: مؤسسه‌های مبتنی بر جامعه یا ارائه‌کنندگان خدمات، مؤسسه‌هایی هستند که با وزارت دادگستری قرارداد منعقد کرده‌اند. زمانی که پلیس با اطفال و نوجوانان بزه‌کار برخورد می‌کند ابتدا وضعیت وی را بررسی و برای او پرونده تشکیل می‌دهد. سپس پرونده‌ها به مؤسسه‌های مبتنی بر جامعه ارجاع داده می‌شوند تا این موضوع بررسی شود که آیا باید برای اقدام به برنامه‌های فراقضایی ارجاع بشوند یا خیر (غربالگری). لازم به ذکر است که راه و روش ارجاع و غربال پرونده‌ها بین جوامع مختلف، متفاوت است.

۴-۳. هماهنگ‌کننده دادرسی کودکان: هماهنگ‌کننده دادرسی، پرونده‌ها را توسط سازمان‌ها یا ارائه‌کننده‌های خدمات که در قانون پیش‌بینی شده‌اند با همکاری کمیته‌های غربالگری به یکی از برنامه‌های «EJS» و «AM» توزیع می‌کند و به‌عنوان رابط میان پلیس و پادشاه و نگهدارنده سوابق ارجاع، اقدام می‌کند.



۴-۴. **مددکار اجتماعی:** مددکار اجتماعی ضمن مذاکره با بزه‌دیده و متهم، تعیین می‌کند که برای رسیدگی به پرونده از چه نوع فرایندی استفاده شود؛ سازماندهی جلسات را تسهیل می‌کند و پرونده را بر مبنای نیاز بزه‌دیده و متهم، دنبال می‌کند.

### یافته‌ها

با نگاهی به تاریخچه قانونگذاری در ایران مشاهده می‌شود در ۹۰ سال گذشته سیاست جنایی ایران در حوزه تقنینی و به دنبال آن سیاست جنایی اجرایی پلیس ایران دست‌خوش فراز و نشیب‌هایی شده است. اما باید گفت از سال ۱۳۰۴ تاکنون پیرامون افتراقی کردن سیاست جنایی اجرایی در قبال اطفال و نوجوانان چه از نظر شکلی و چه از نظر ماهوی پیشرفت چشم‌گیری حاصل نشده است (موذن زادگان، ۱۳۸۷).

قانون تشکیل دادگاه ویژه اطفال بزهکار مصوب ۱۳۳۸/۰۸/۲۷، در ۳۳ ماده برای افتراقی کردن مرحله دادرسی برای اطفال و نوجوانان اقدام کرده اما در همین قانون<sup>۱</sup> و قوانین بعد از آن مانند قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری<sup>۲</sup> تأکید شده که کلیه وظایف ضابطان دادگستری پیرامون انجام تحقیقات از اطفال بر عهده دادگاه است. به‌واقع تا زمان تصویب قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۹۲، هیچ‌گاه به‌طور جدی به تأسیس پلیس ویژه اطفال و نوجوانان و وظایف آنان در قبال این قشر آسیب‌پذیر اشاره‌ای نشده بود. هرچند در ماده ۳۱ قانون یادشده، بر تأسیس پلیس ویژه اطفال تأکید شده اما در مواد بعد از آن مانند ماده ۲۸۵ و تبصره‌های آن رسماً با تبعیت از قوانین گفته شده، کلیه وظایف و اختیارات ضابطان دادگستری به دادگاه اطفال واگذار شده است.

ازطرفی با مطالعه ساختار نظام پلیسی ایران و بررسی قوانین مربوطه مانند قانون ناجا مصوب ۱۳۶۹، قانون حمایت از کودکان مصوب سال ۱۳۸۱ و قانون آیین دادرسی کیفری مصوب

۱. ماده ۶ قانون تشکیل دادگاه ویژه اطفال بزهکار، مصوب ۱۳۳۸/۰۸/۲۷.

۲. ماده ۲۲۱ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب، مصوب ۱۳۷۸.

سال ۱۳۹۲، پیرامون اختیارات و وظایف پلیس در قبال اطفال و نوجوانان سکوت اختیار شده است. هر چند تا قبل از تصویب قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، پلیس با تشکیل دوایری در کلاتری‌ها با عنوان مراکز مشاوره و مددکاری، به امور اطفال و نوجوانان رسیدگی می‌کرد و در برخورد با اطفال و نوجوانان به استناد بندهای ۱۷ و ۱۸ ماده ۴ قانون ناجا مصوب سال ۱۳۶۹ تلاش شده تا با همکاری سایر سازمان‌ها مانند بهزیستی و شهرداری به نوعی از ارجاع اطفال به فرایند رسمی رسیدگی خودداری شود، اما هیچ‌گاه اختیار قانونی پیرامون قضا‌زدایی به پلیس اعطا نشده است.

بنابراین با توجه به مطالب گفته شده می‌توان گفت قانون‌گذار برخلاف مداخله قضایی که از یک منطلق و سیاست جنایی افتراقی در قبال اطفال و نوجوانان تبعیت کرده، پیرامون سیاست جنایی افتراقی مداخله پلیسی به طور عام و قضا‌زدایی پلیسی به طور خاص در قبال اطفال و نوجوانان سکوت اختیار کرده است.

تنها روزه‌ای که بارقه‌های امید را پیرامون پرداختن به وظایف، اختیارات و ساختار پلیس اطفال و نوجوانان و قضا‌زدایی پلیسی زنده می‌کند پیش‌نویس مواد لایحه تشکیل پلیس ویژه اطفال است که در ۴۲ ماده تدوین شده است. در فصل دوم این پیش‌نویس با عنوان ساختار و سازمان، در شش ماده (از ماده ۱۰ تا ۱۵) کلیاتی راجع به شرایط و چگونگی جذب نیرو و ساختار پیشنهادی در این پلیس ویژه بیان شده است. در این پیش‌نویس، ساختار پلیس ویژه اطفال شامل ستاد پلیس ویژه، واحد مددکاری اجتماعی، واحد حمایت از بزه‌دیدگان، واحد پیشگیری پیش‌بینی شده است (کوشکی، ۱۳۹۴: ۲۰۱). هر چند اقدام شایسته‌ای پیرامون قضا‌زدایی پلیسی<sup>۱</sup> در پیش‌نویس یادشده پیش‌بینی شده اما به دلیل اینکه این اختیار در صلاح‌دید مقام قضایی است نمی‌تواند در زمینه قضا‌زدایی پلیسی خیلی گره‌گشا باشد زیرا در هر صورت، در ابتدای فرایند، ارجاع پرونده به دادسرا الزامی بیان

۱. ماده ۲۰ پیش‌نویس لایحه تشکیل پلیس اطفال و نوجوانان با نظر مقام قضایی، قضا‌زدایی پلیسی را امکان‌پذیر دانسته است.

شده است. این گونه اقدام‌ها در عرصه قانون‌گذاری ایران و عدم شفاف‌سازی قانون‌گذار در تبیین سیاست جنایی اجرایی پلیس باعث شده تا پلیس در ارتباط با اطفال و نوجوانان با ابهاماتی مواجه شود و در عمل برای رهایی از این ابهامات دست به اقداماتی بزند که از آن به آزادی عمل<sup>۱</sup> پلیس یاد می‌شود. آزادی عمل در واقع یک نوع اختیار است که پیرامون اجرای قوانین کیفری به دلیل ابهامات قانونی نظام عدالت کیفری اجرا می‌شود. فرهنگ لغت sage<sup>۲</sup> کلمه Discretion (آزادی عمل) را به این شکل تعریف کرده است: «قدرتی که در حوزه عدالت کیفری به افراد اعطا می‌شود تا با استفاده و استناد به قضاوت و صلاح‌دید خودشان در شرایط پیش آمده تصمیم بگیرند.»

برخی مصادیق استفاده پلیس از آزادی عمل عبارت‌اند از: پرهیز از دستگیری افراد بزهکار در جرایم کم‌اهمیت، انجام سازش بین طرفین در اماکن انتظامی، ثبت نکردن شکایت بزه‌دیده و... این اقدامات، هرچند ممکن است در برخی مصادیق، تلاشی برای قضاودایی پلیسی تلقی شود ولی تازمانی که مجوز قضاودایی پلیسی به صورت شفاف در قوانین ایران به پلیس اعطا نشود این گونه اقدامات پلیس، غیرقانونی تلقی می‌شود.

### بحث و نتیجه‌گیری

با وجود ماده ۳۱ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۹۲ مبنی بر تشکیل پلیس ویژه اطفال و نوجوانان، این قانون به دلیل نبود زیرساخت‌های لازم برای اجرای آن، تا تاریخ ۱۳۹۴/۰۴/۰۱ اجرایی نشد. اما باید گفت نه تنها بسیاری از زیرساخت‌های مربوط به اجرایی شدن قانون و ماده یادشده فراهم نشده است بلکه به نظر می‌رسد با وجود ماده ۲۸۵ قانون آیین دادرسی کیفری و تبصره‌های آن حتی اگر لایحه تشکیل پلیس ویژه اطفال و نوجوانان هم به تصویب برسد امکان قضاودایی پلیسی برای پلیس فراهم نشود.

1. Discretion

2. Mc Laughlin, E., Muncie, J., The Sage dictionary of criminology, Sage Publication, 2th ed, London, 2003., pp.95-96.

مطالعه تطبیقی و تحلیلی در کشورهای مختلف از جمله نیوزیلند و کانادا نشان می‌دهد که این کشورها ضمن بهره‌گیری از علوم مختلفی مانند جامعه‌شناسی، روان‌شناسی و جرم‌شناسی، نسبت به تأسیس پلیس ویژه اطفال و نوجوانان و ارائه آموزش‌های تخصصی به آنان اقدام کرده‌اند. در کشور نیوزیلند پلیس ویژه اطفال و نوجوانان ضمن وضع قانون خاص «کودکان و نوجوانان و خانواده‌هایشان» و استخدام روان‌شناسان، جامعه‌شناسان و مددکاران اجتماعی، با تعریف ساختار ویژه و منحصر به فرد برای سازمان پلیس اطفال، از طریق پلیس همیار کودک و هماهنگ‌کننده دادرسی کودکان و تعامل با سایر سازمان‌ها اقدام به قضاودایی در قبال بزهکاری اطفال و نوجوانان کرده است. همچنین در این کشور در حوزه نحوه عملکرد پلیس اطفال و نوجوانان، اختیارات زیادی به پلیس در باب قضاودایی اطفال و نوجوانان اعطا شده است. راهکارهای قضاودایی پلیسی در نیوزیلند با این شرط که نخست خسارت صورت گرفته توسط کودک بزهکار یا خانواده او جبران شود و دوم از وقوع دوباره بزه جلوگیری کند با رعایت الگوی عدالت ترمیمی و اقداماتی مانند: «عذرخواهی کلامی و کتبی از قربانیان، جبران یا پرداخت خسارت وارد شده به اموال، کار کردن برای قربانی و یا گروه‌های محلی، کمک به خیریه‌ها، محدودیت آمد و شد، محدودیت در ارتباط با شرکای بزه و دیگر افرادی که تأثیر سوء داشته‌اند، مشاوره دادن به بزهکار درباره اثرات سوء رفتار وی، انجام فعالیت‌های ورزشی یا افزایش سرگرمی‌ها به منظور جلوگیری از مشارکت در بزه، بهبود در انجام تکالیف در مدرسه، نوشتن انشاء به صورتی که نشان دهد بزهکار به عملش پی برده است» برای کودک بزهکار تکالیفی ایجاد کرده است. این در حالی است که قانون‌گذار ایران پیرامون اختیارات و وظایف پلیس اطفال، فقط به چند ماده مبهم بسنده کرده است و به هیچ عنوان معتقد به قضاودایی پلیسی نیست.

پلیس کانادا نیز ضمن تدوین دو قانون ویژه بزهکاری جوانان (در فاصله ۱۹ سال) با عنوان قانون مجرمان جوان «YOA» و قانون عدالت کیفری جوانان «YCJA» با تعیین برنامه‌های

فراقضایی «EJS» و «AM» اقدام به تعیین وظایف نقش آفرینان حوزه دادرسی اطفال شامل مرکز جوانان پلیس، مؤسسه‌های مبتنی بر جامعه، هماهنگ‌کننده دادرسی کودکان و مددکاران اجتماعی کرده و اختیارات مشخصی را برای قضاودایی به آنان اعطا کرده است. از آنجایی که برابر تجربه کشورهای موفق در زمینه تأسیس پلیس ویژه اطفال، یکی از مهم‌ترین دستاوردهای مربوط به جلوگیری از ورود اطفال و نوجوانان به فرایندهای رسمی دادرسی، استفاده از تأسیس قضاودایی در مرحله پلیسی است، بنابراین در این خصوص پیشنهادهایی به شرح زیر ارائه می‌شود:

- ۱) تصریح وظایف و اختیارات پلیس ویژه اطفال و نوجوانان درقبال اطفال و نوجوانان؛
- ۲) بازنگری دقیق مفاد پیش‌نویس لایحه تشکیل پلیس ویژه اطفال و نوجوانان و تبیین دقیق ساختار قانونی آن؛
- ۳) تعیین وظایف و اختیارات واحدهای درونی پلیس ویژه اطفال و نوجوانان در پیش‌نویس لایحه یادشده؛
- ۴) تعیین دقیق حدود مرز اختیارات و وظایف پلیس ویژه اطفال و نوجوانان پیرامون استفاده از قضاودایی پلیسی با در نظر داشتن مفاد ماده ۸۲ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۹۲؛
- ۵) تعارض‌زدایی از برخی مواد قانونی در حوزه پلیس ویژه اطفال و نوجوانان مانند ماده ۳۱ و ۲۸۵ قانون آیین دادرسی کیفری ایران مصوب سال ۱۳۹۲؛
- ۶) الگوبرداری از قوانین و مقررات خاص پلیس اطفال کشورهای پیشرفته و موفق در زمینه قضاودایی پلیسی.

## منابع

- بارانی، محمد و جزینی، علیرضا (۱۳۸۸). سیاست جنایی پلیس در قبال کودکان و نوجوانان - معارض با قانون، مجموعه مقالات برگزیده همایش علمی کاربردی پلیس و نظام عدالت برای کودکان و نوجوانان. تهران: مرکز تحقیقات کاربردی پلیس پیشگیری ناجا.
- بارانی، محمد و کشفی، سیدسعید (۱۳۹۲). نظام عدالت برای کودکان و نوجوانان (راهنمای عملی پلیس). تهران: معاونت تربیت و آموزش ناجا.
- پاک‌نهاد، امیر (۱۳۸۸). سیاست جنایی ریسک مدار. تهران: نشر میزان.
- پرادل، ژان (۱۳۸۹). تاریخ اندیشه‌های کیفری. (علی حسین نجفی ابرندآباد، مترجم). تهران: نشر سمت.
- دلماش مارتی، میری (۱۳۸۷). نظام‌های بزرگ سیاست جنایی. (علی حسین نجفی ابرندآبادی، مترجم). تهران: نشر میزان.
- زهر، هوارد (۱۳۹۰). کتاب کوچک عدالت ترمیمی. (حسین غلامی، مترجم). تهران: نشر مجد.
- غلامی، حسین (۱۳۹۰). عدالت ترمیمی. تهران: نشر سمت.
- غلامی، حسین (۱۳۹۲). الگوها یا گونه‌های عدالت کیفری اطفال. آموزه‌های حقوق کیفری. شماره ۶.
- دالوندی، زهرا (۱۳۸۸). نقش پلیس در فرایند دادرسی ویژه کودکان و نوجوانان در ایران. (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه تربیت مدرس، تهران
- غلامی، حسین (۱۳۹۲). بررسی حقوقی ° جرم‌شناختی تکرار جرم. تهران: میزان.
- غلامی، حسین (۱۳۹۲). عدالت کیفری اطفال در سیاست جنایی سازمان ملل متحد. تهران: نشر میزان.
- فتح‌الهی، سیدسیامک (۱۳۸۸). پلیس و شیوه‌های نوین پیشگیری از بزهکاری اطفال و بزهکاران (مطالعه موردی در چند کشور جهان). مجموعه مقالات برگزیده همایش علمی کاربردی پلیس و نظام عدالت برای کودکان و نوجوانان. تهران: مرکز تحقیقات کاربردی پلیس پیشگیری ناجا.
- کاظمی، سیدعلی (۱۳۹۴). بررسی تطبیقی نهاد پلیس اطفال در نظام‌های مختلف حقوقی. تهران: مرکز تحقیقات کاربردی پلیس پیشگیری ناجا.

- کشفی، سعید (۱۳۸۷). نقش پلیس در دادرسی کودکان و نوجوانان. فصلنامه دانش انتظامی. سال دهم. شماره اول
- کوشکی، غلامحسین (۱۳۹۴). پلیس ویژه اطفال و نوجوانان در نظام قضایی ایران (ضرورت‌ها و کارکردها). تهران: مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضاییه.
- محمودی، جواد (۱۳۸۵)، قضاودایی و جرم‌زدایی از منظر قانون اساسی و حقوق اداری. مجله تخصصی الهیات و حقوق، شماره ۱۹.
- مؤذن‌زادگان، حسنعلی و جوادی، حسین (۱۳۹۴). الزامات و سازوکارهای تشکیل پلیس اطفال و نوجوانان (مطالعه تطبیقی: حقوق آمریکا). تهران: پژوهشکده حقوقی شهر دانش. شماره ۵.
- نجفی‌ابرنندآبادی، علی‌حسین (۱۳۸۵). مباحثی در علوم جنایی، به کوشش شهرام ابراهیمی، ویراست سوم.
- نوبهار، رحیم (۱۳۹۰). اصل کمینه‌بودن حقوق کیفری. آموزه‌های حقوق کیفری. سال اول. شماره اول.
- Bergeron, J. (2014). Justice for children: Detention as a last resort. Innovative Initiatives in the East Asia and Pacific Region. UNICEF EAPRO.
- Bruckmuller, K. (2004). Austria Report. Paper to the European Society of Criminology Working Group on Juvenile Justice. Available online at: [www.esceurocrim.org/workgroups.shtml](http://www.esceurocrim.org/workgroups.shtml) (accessed 6/8/2015).
- Dunkel, F. (2004). Juvenile Justice in Germany: Between Welfare and Justice. Paper to the European Society of Criminology Working Group on Juvenile Justice. Available online at: [www.esceurocrim.org/workgroups.shtml](http://www.esceurocrim.org/workgroups.shtml) (accessed 6/8/2015).
- Filipcic, K. (2004). National Report on Juvenile Criminal Law in Slovenia. Paper to the European Society of Criminology Working Group on Juvenile Justice. Accessed online at: [www.esceurocrim.org/workgroups.shtml](http://www.esceurocrim.org/workgroups.shtml) (accessed 6/8/2015).

- Goldestein, J. (2003). police and policies, police discretion not to invoke the criminal process, Yale.u.s.a, the yale law journal, vol.69.
- Hazel, N. (2008). Cross-national comparison of youth justice. London: Youth Justice Board.
- Mc Laughlin, E. Muncie, J. (2003). The Sage dictionary of criminology, Sage Publication, 2th ed, London.
- Robert Cormier's (2002). report, Restorative Justice: Directions and Principles ° Developments in Canada. Ottawa: Public Safety Canada. Available online at: <http://www.nicic.org/Library/017800>.
- Sherman, L. & H. Strang, Restorative Justice; The Evidence, Smith Institute Pub, 2007.
- Stando-Kawecka, B. (2004). The Juvenile Justice System in Poland. Paper to the European Society of Criminology, Working Group on Juvenile Justice. Available online at: [www.eseurocrim.org/workgroups.shtml](http://www.eseurocrim.org/workgroups.shtml) (accessed 6/8/2015).
- Toews, Barb, The Little Book of Restorative Justice for People in Prison, Good Book Pub, 2007.
- Van Dijk, C. (2004). Juvenile Delinquency and Juvenile Justice in Belgium. Paper to the European Society of Criminology Working Group on Juvenile Justice. Available online at: [www.eseurocrim.org/workgroups.shtml](http://www.eseurocrim.org/workgroups.shtml) (accessed 6/8/2015).